



نشریه دخترانه دانشگاه پیام نور مشهد
(دفتر تحکیم وحدت)

زنان عاشورایی

بسمه تعالی



چهارمین شماره نشریه دخترانه صبا

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی پیام نور
مشهد (دفتر تحکیم وحدت)

مدیر مسئول و سردبیر:

مهدیه روحانی فر

هیئت تحریریه:

ساره بیات، سمیرا حسینی، انیس عرب
زاده، مهدیه روحانی فر، فاطمه متقیان،
الهه لشکری.

ویراستار:

ریحانه زراعتکار

طراح:

ساره بیات

برای دریافت شماره های گذشته
نشریه صبا و اعلام همکاری و انتقال
پیشنهادات به صفحه نشریه صبا در
اینستاگرام و کانال تلگرام مراجعه
فرمایید.

@saba_ispnum

عامل پیروزی خون بر شمشیر در روز
عاشورا، حضرت زینب (س) بود؛ والا خون در
کربلا تمام شد. آن چیزی که موجب شد این
شکست نظامی ظاهری تبدیل به یک پیروزی
قطعی دائمی شود نقش حضرت زینب بود. این
حادثه نشان داد که زن در حاشیه ی تاریخ نیست.
زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد.

۱۳۸۹/۲/۱

سخن سردبیر

بعد از ظهور اسلام و معرفی هویت واقعی زنان آنها جایگاه خود را در خانواده و جامعه شناختند و بواسطه این شناخت نقش افرینی های سیاسی و اجتماعی نقش افرینی کردند. یکی از موثرترین حضور زنان در هزار و چهارصد سال پیش در سرزمین کربلا بود که با درخشش آنها در این قیام تار وایت بر تارک تاریخ تا ابدیت، باقی خواهد ماند. شرکت کنندگان کاروان امام حسین فقط یک عده سرباز نظامی نبودند، بلکه کاروانی بودند عاشق، متشکل از مردان و زنان، پیر و جوان، کودک و نوجوان که روایت جان فشانی هایشان در دفتر تاریخ ثبت گردید. شهید مطهری میفرماید: تاریخ کربلا یک حادثه مذکر و مونث است حادثه ای که مرد در آن نقش دارد و زن در آن نقش دارد ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش! میدانیم که حرکت کاروان امام حسین از مکه به سوی کوفه با هدف جنگ با بنی امیه نبود، بلکه برای تغییر در بدعت ها و نهی از منکر و اصلاح کار امت و روشن ساختن حقیقت بود؛ این سفر به سبب دعوت و نامه هایی بود که بزرگان کوفه برای امام فرستاده بودند. رهسپار شدن زنان با کاروان امام حسین از جهات مختلف قابل بررسی است، که اگر این اتفاق نمی افتاد و زنان در خانه محبوس می ماندن موجب میشد، بعد از شهادت امام و دیگر مردان سپاه، بعد از چند وقت عزاداری این واقعه مهم به فراموشی سپرده شود! اما نقش افرینی زنان به رهبری حضرت زینب (س) در بخش های مختلف باعث زنده نگه داشتن و درس بزرگ عاشورا شد. از جمله حماسه سازی زنان که بطور غیر مستقیم نمایندگان حضور آنان بود مردانی بودند که در رکاب امام حسین (ع) در مقابل کفر جنگیدند هر کدام از آنها تربیت شده یک زن با ایمان، فداکار و شجاع بودند که نتیجه آن توفیق سرباز امام حسین بود بهر مندی جامعه از انسان های بزرگ تاریخ، در درجه اول نیازمند وجود زنان انسان ساز است. نقش دیگر زنان در قیام عاشورا، تشویق و ترغیب رزمندگان به مبارزه علیه ظلم بود. وجود زنانی که تسلیم محض خدا بودند و در عین دانستن نتیجه ظاهر جنگ، مردان را برای ایستادگی و مبارزه ترغیب میکردند از نقش های اثر گذار زنان بود. آرام کردن کودکان و آرامش به آنها در حالی خودشان داغدار شهادت مردان بودند، از مسئولیت های سخت و سنگین زنان بود. تعدادی از زنان با حضور مستقیم در میدان نبرد برای حمایت از امام هجوم به سمت دشمن بردند و تعدادی از آنان را به درک واصل کردند که البته به جهت امر امام اطاعت از ایشان به خیمه بازگشتند. مأموریت خطیر زنان که بعد از قیام عاشورا است در حالی که در شرایط و روحی و جسمی سختی بودند اما برای ادامه دادن راه ابا عدا... با اندیشه و کلام خود حقانیت و مظلومیت امام حسین می بایست شعائر عاشورا را زنده نگه دارند و مبلغ باشند. چهارمین شماره از نشریه دخترانه صبا، به منظور تبیین هر چه بیشتر نقش زنان در نهضت عاشورا، در این شماره به بررسی و تحقیق در لایه های صفحات تاریخ کربلا می پردازیم تا شاید بتوانیم عزت و سربلندی زنان نهضت عاشورا را در یابیم و پویانده راه پر افتخار آنان باشیم.

بانوی فراتر از تاریخ



ساره بیات، دانشجوی روزنامه نگاری | از

مادری همچون فاطمه زهرا (س) و پدری چون حضرت امیرالمومنین علی (ع) دختری متولد شد، که او را عقیده بنی هاشم لقب نهادند که در فصاحت، بلاغت، زهد، عبادت، فضیلت، شجاعت و سخاوت شبیه ترین مردم به پدر خود علی - علیه السلام - و مادر خود فاطمه - سلام الله علیها - بود. آن حضرت پنج سال از زندگی خود را در سایه مهر و عطوفت پیامبر اکرم سپری کرد و این همنشینی فرصتی بود تا درس معرفت و حدیث صبر و استقامت را در محضر ایشان بیاموزد و کلام و کردار رسول خدا در او متجلی شود. چون پیامبر (ص) به سختی مسیر پیش روی زینب واقف بود، خوب می دانست تحمل ناگواری های تلخ مسیر زندگی او نیاز به داشتن روحی بزرگ و قلبی مالا مال از عشق به خدا دارد. مدت زندگی ایشان با مادرش حضرت زهرا - سلام الله علیها - هم حدود پنج یا شش سال بود. زینب در این دوران کوتاه زندگی با مادر از او آموخت، او به خوبی خطبه ها و سخنرانی های شجاعانه مادر که در دفاع از حقوق اهل بیت و فدک بود را به یاد داشت. مادر برای زینب الگویی برای افشای شجاعانه ظلم ستمگران و دفاع از ولایت و اسلام شد. زینب به سال های تشکیل زندگی مشترک نزدیک می شد که با «عبدالله بن جعفر» پسر عموی بزرگوارش ازدواج نمود؛ در قرارداد ازدواجش شرط همراهی با

برادرش حسین را قید می کند تا از وظیفه مهم خود باز نماند. بعد از ازدواج تا زمانی که حضرت علی (ع) پدر بزرگوار ایشان در مدینه بودند در این شهر زندگی می کردند اما پس از انتقال پایتخت حکومت اسلامی به کوفه ایشان به همراه پدر راهی کوفه شدند.

در زمان شهادت امیرالمومنین حضرت زینب ۳۵ سال سن داشتند و پس از شهادت پدر، ایشان ده سال با برادر گرانقدر خود امام حسن (ع) زیست کردند و پس از شهادت امام حسن (ع) ایشان ده سال از پر حادثه ترین و ناگوارترین دوران زندگی خود را در کنار برادر خود امام حسین (ع) سپری نمود. آنچه نام زینب را در تاریخ ماندگار کرد علاوه بر ویژگی هایی چون عفت، صبر، عقیده بنی هاشم، عالمه غیر معلمه و شریکه الحسین بودن، نقش سرنوشت ساز وی در نهضت کربلا و حفظ این قیام عظیم بود. در پی حادثه کربلا، حضرت زینب (ع) مسئولیت سنگینی را عهده دار گردید. امام حسین (ع) پدید آورنده نهضت بود، ولی ادامه دهنده آن خواهرش حضرت زینب (ع) بود. این بانوی پس از شهادت امام حسین (ع) و یاران ایشان در کربلا، در کوفه و شام، رسالت خویش را به خوبی انجام داد و با استفاده از فرصت ها، ضربه های کاری بر دشمن وارد ساخت. حضرت زینب با خطبه آتشین خود و قدرت سخنوری خود توانست تبلیغات دروغین بنی امیه را خنثی نماید.

ایشان مردم کوفه را به خاطر پیمان شکنی شان، از خواب غفلت بیدار نمود، هیاهوی تبلیغات دروغین یزید در میان مردم شام را بر ملا ساخت و زمینه انقلاب را در کوفه و شام فراهم کرد. به گونه ای که یزید با دستپاچگی از کار خود اظهار ندامت نمود و اهل بیت پیامبر (ع) را با قافله سالار آن، حضرت زینب (ع)، با احترام فراوان به مدینه بازگرداند. حضرت زینب اسوه صبر و استقامت و سخنوری بود که خطابه اش در مجلس یزید بی نظیر بود، عالمه ای که امام سجاد - علیه السلام - در تأیید مقام علمی او فرمود: «الحمد لله تو دانشمند و عالمه ای بدون معلم و بانوی خردمندی بدون استاد می باشی» این سخن امام سجاد - علیه السلام - نشان دهنده علم لدنی آن حضرت می باشد. بانوی بزرگواری که پس از شهادت دو پسر خود در روز عاشورا از خیمه بیرون نیامد تا مبادا حضرت امام حسین (ع) بابت داغدار شدن زینب از داغ فرزند خجالت زده شود. حضرت زینب الگویی برای زنان مسلمان عالم است که مجموع خصایص نیکوی این بانوی بزرگوار در جریان حادثه کربلا نمود پیدا می کند و چیزی جز ایمان عمیق به خداوند در وجود ایشان نمی توانست تحمل چنین مصائب عظیمی را در راه دفاع از دین خدا امکان پذیر نماید و او را اسوه صبر و استقامت در میان زنان انبیا و اولیاد در تاریخ نماید.

زنان کربلا، الگوی مشارکت اجتماعی



سمیرا حسینی، دانشجوی جغرافیا

حضور زن در جامعه، همیشه محل بحث بوده و در طی تاریخ همیشه افراط و تفریط در مورد آن صورت گرفته است. چه زمانی که در قرون وسطی در اروپا زن حق حضور در مکانی که حتی حیوانات رفت و آمد می کردند نداشت و بعد از آن که حق برابری با مرد و رأی دادن در انتخابات رانداشت و چه زمانی که جنبش فمینیسم و برابری زن و مرد به راه افتاد و به نظر می آمد که حالا زنان آزادانه می توانند در اجتماع حضور بیابند، در واقع این زن بود که آسیب می دید، با حضور در اجتماع نقش زن در بقیه بُعدهای آن کمرنگ شد و باعث آسیب های فراوان به جسم، روح و روان زن گردید. در ایران نیز تا سال های قبل زن فقط حق حضور در مکان هایی را داشت که به اصطلاح ماهیت زنانه دارند و بسیار محدود بود. پس از پیروزی انقلاب و حضور زنان در جامعه و نقش آفرینی پررنگ آنها در پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و سپس مقام معظم رهبری به شکل مداوم

خواستار حضور و نقش آفرینی زنان در سطح جامعه شدند. به شکلی که امام خمینی زن را الهام بخش حضور مرد در جامعه می دانستند و رهبر انقلاب حضور زنان را در جامعه پررنگ تر و حیاتی تر از مردان می خوانند. البته این حضور شرایطی دارد که گاهی خود بانوان آن را نمی شناسند و لوازم آن را نمی دانند. حال آنکه در اسلام، در روزگاری که قوی ترین وسیله ارتباطی نوشتن نامه و فرستادن آن از طریق پیک بود، بانویی به تمام معنا مصیبت زده می تواند پیامش را به تمام جهان اسلام آن زمان برساند. بانوی بزرگوار و عقیقی که مانند گل در خانواده عصمت و طهارت و نور، پرورش پیدا کرده است، به ناگاه پس از شهادت حجت خدا تبدیل به قهرمانی می شود که از جان امام خود، فرزندان و زنان باقی مانده از کاروان قیام محافظت می کند، از بیماران و کودکان ستم دیده و زنان بی پناه با دست خالی پرستاری می کند، در همان احوال به مثابه یک عالم کامل سخنرانی کرده و تحلیل ارائه می دهد، با دلیل و منطق تفسیر می کند،

با صدایی که حاضران و شنوندگان قسم یاد کرده اند صدای پدرش علی (علیه السلام) بوده است نطق می کند و لرزه به اندام کافران به ظاهر مسلمانان می اندازد و اسلامی را که زیر خروارها نیرنگ و دروغ دفن شده جانی دوباره می بخشد. این همه را در حالی انجام می دهد که نه پرده ی حیا و عفت را دریده، نه از خود بیخود شده، نه مهربانی و عطوفت مادرانه و زنانه را به کناری نهاده، نه ضعف نشان داده و نه شرعیتش را فراموش می کند، عمه ی سادات شب عاشورا نماز شبش را نشسته می خواند. این مهربانو، نه تنها الگوی زن شیعه است بلکه می تواند الگوی تمام زنان جهان باشد. در واقع حضرت زینب (سلام الله علیها) بهترین الگوی حضور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان در جامعه هستند. حتما این حضور در جامعه ای که خود مسلمان و شیعه مذهب است به مراتب راحت تر از حضور در جامعه ای بیگانه مانند شام و کوفه خواهد بود. حضور این بانوی عظیم الشان در واقعه ی عاشورا و حوادث پس از آن مبین این مسئله است که زن مسلمان باید زمانی که لازم است در جامعه حضور یابد در حالیکه نه احتیاج به کنار گذاشتن اعتقادات، حجاب و عفاف دارد و نه قرار است که هویت زنانه اش را انکار کند. در جامعه ایران که بارها و بارها رهبر معظم انقلاب زنان کشور را به حضور و نقش آفرینی در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی و... دعوت نموده، نیاز است که زن مسلمان ایرانی وارد این عرصه ها شده، گره از مشکلات زنان کشور گشوده و مسیر را برای نسل بعد آماده سازد. سال هاست پست های مهم زنان در دست مردان و زنانی که نتوانسته یا نخواسته اند کاری مطابق با شخصیت زن انجام دهند بوده، لازم است پس از چهل سال زنان جوان و تحصیل کرده کشور وارد عرصه های مختلف شده و با توجه به تجارب گذشتگان، امید به آینده، انگیزه و نیروی جوانی سکان های این کشور را به دست بگیرند.



داستان صبا، این قسمت:

روایت های زنانه

مهدیه روحانی فر، دانشجوی روانشناسی

صدای گریه ی امیرعباس، صبا را میکشاند سمت اتاق! طوری در بغل می فشاردش و قربان صدقه می رود که هر که نداند انگاری امیرعباس یک هفته ست خوابیده... دلتنگی اش را با چلانیدن امیرعباس، سبک می کند، داخل آشپزخانه می رود چای را دم می گذارد و دوتا غنچه گل محمدی می اندازد داخل قوری فقط به عشق آقای خونه! امیرعباس را توهال رها میکند و می رود سراغ یادداشتی که می بایست برای سایت آماده میشد!

صدای زنگ موبایل تمرکز صبا را بهم می ریزد جواب میدهد، با آقای خونه قرار و مدار رفتن به هیئت را میگذارد، چشم میچرخاند کاغذ یادداشت مچاله و پاره شده دست امیرعباس چهره اش را درهم میکند، امیرعباس بینی اش را چروک میکند و با لبخندی ظاهری از اخم مادر دلجویی میکند. مادر دلش غنچ میزند برای دو دندان کوچولوی خرگوش اش! زهراسادات را صدا میکند: مامان پاشو

میکنه و، فضای صمیمی تری داره و صحبت های سخنران و بعضی مداح ها برام قابل درک نیست، دایما از یک نگاه به عاشورا نگاه میکنن، یادمه خودتون گفتین که زنان چقدر توی عاشورا نقش داشتن چقدر با احساس و عشق شون موثر بودن! اما خیلی کم از این نگاه صحبت میکنن. مامان صبا گوشه لپ دختر را نیشگون میگیرد با لبخندی حرفش رو تایید میکند! اما ذهنش حرفهای دخترک را گره میزند به دغدغه های خودش! نقش زنان؟! روایت های زنانه؟! ما کجای این دستگاه عزاداری قرار داریم، نقش و وظیفه ی ما بعنوان یک زن و مهمتر بعنوان یک مادر چیست؟ چه قدمی می توانیم برداریم برای رفع این معضلات؟ چقدر کار داریم... اصلاح مباحث تبلیغی و مبنایی، مخاطب شناسی، نقش سازمان تبلیغات، چقدر جای روایت های مهم و کم تکرار زنانه در این حوزه خالی ست... قدمی باید...

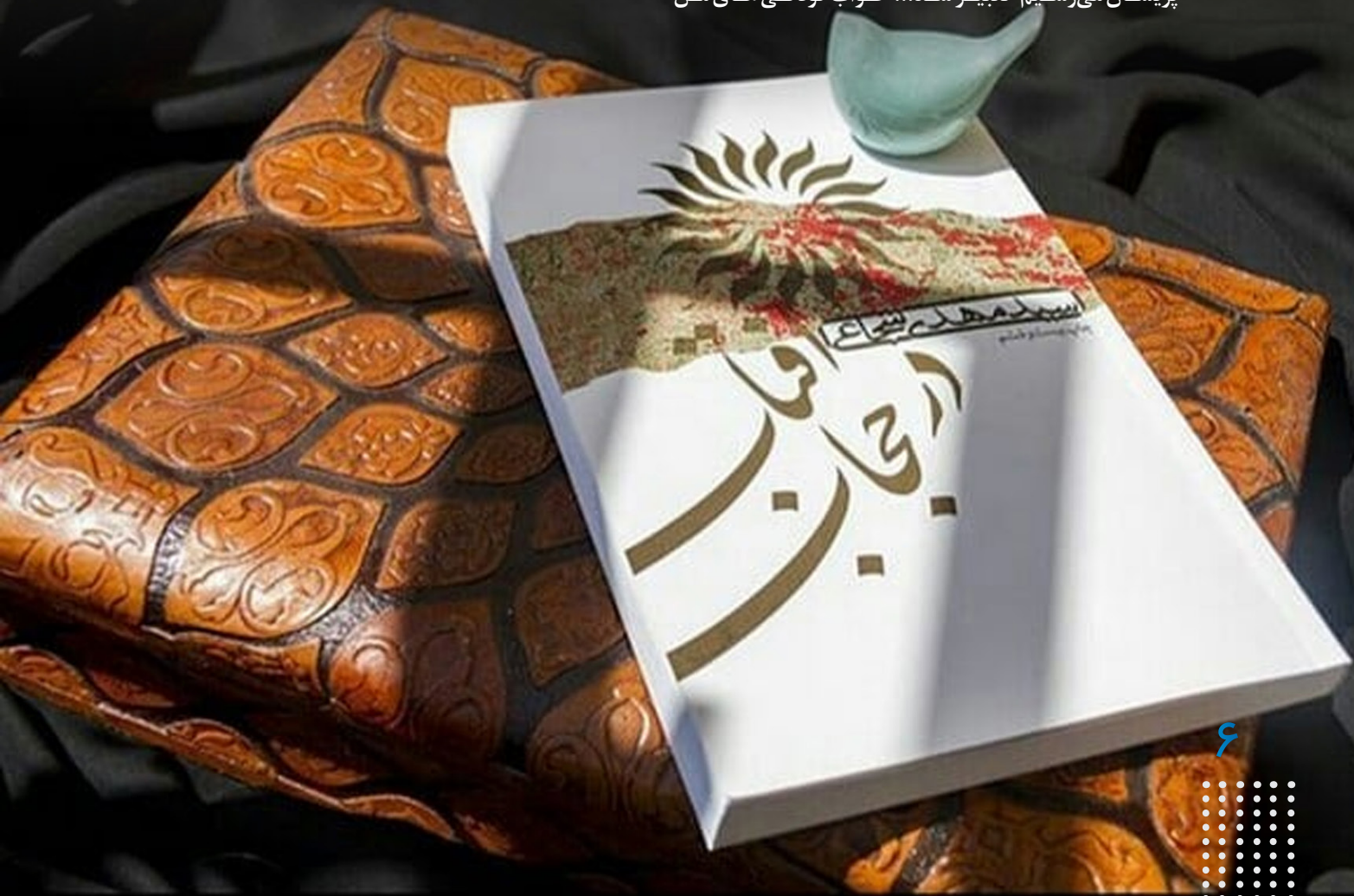
به خودت برس میخوایم بریم هیئت! چندتا تیکه اسباب بازی و مقداری خوراکی می چپاند توی کیف تا کمی از دوز شیطنت امیرعباس بکاهد. زهراسادات با وسواس خاصی جلوی آینه چادر عربی اش را تنظیم میکند، صدای مامان را که میشنود همه ی تلاشش میریزد به هم!

کمی سریعتر بابا جلوی در منتظره! ورودی هیئت پک مخصوص کودکان (کاغذ رنگی و مداد و...) خیال صبا را راحت تر میکند. خانم ها به جایگاه مخصوص راهنمایی می شوند، فضایی کوچک، هوای دم کرده و نبودن تهویه مناسب، حواس و آرامش صبا را میریزد به هم! مراسم شروع میشود، همه به زیاد ست، صدا به صدا نمیرسد، کم کم غر زندهای زهراسادات هم شروع میشود: بهتر نبود میرفتیم روضه ی خونه ی خانم موسوی! سخنران اونجا هم جذاب تر صحبت میکنه هم حرفاش تکراری نیست، وظیفه ی امروز ما رو به خوبی صحبت

معرفی کتاب «آفتاب در حجاب»

فاطمه متقیان، دانشجوی علوم تربیتی | آفتاب در حجاب عنوان زیبایی است که سید مهدی شجاعی برای کتاب خود شرحی داستان وار و جانسوز از حیات زینب کبراست برگزیده است کتاب از ۱۸ قسمت تشکیل شده و هر قسمت با توجه به گفته نویسنده پرتو نام گرفته است نویسنده در این نوشتار تبصر خود در داستان نویسی را با چاشنی وقایع تاریخی و مستند در آمیخته، تا نتیجه آن واگویی های زیبا و روان از رنجها و مصیبت های حضرت زینب کبرا باشد. این کتاب ثروتمند به وقایع از زندگی این بانوی بزرگ می پردازد، که در ارتباط با امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا و تمامی کسانی که در کلام کربلا بودند می باشد. متن بی نظیر و توصیفات عاشقانه عارفانه و غم انگیز و دلنشین با بهره گیری از روایت و مقتل ها از روایات مختلف زندگانی عقیده بنی هاشم حضرت زینب کبری را از ویژگی های منحصر به فرد این اثر می باشد. متن کتاب علاوه بر اینکه احساسات خواننده را برمی انگیزد او را وادار به تفکر نیز می کند. شاید بتوان این اثر را یک بیوگرافی نگاری نامید اما نه یک بیوگرافی ساده! بلکه بیوگرافی که تورا از همان ابتدا با عقیده بنی هاشم از تولد گرفته تا وقایعی که در زمان کودکی حضرت اتفاق می افتد و بعد از آن واقعه کربلا همراه می سازد و گویی در لحظه لحظه زندگی حضرت زینب دارد و تمام حوادث را حس می کنیم. همپای حضرت زینب اشک میریزی و با او همدردی می کنی، داستان از این کابوسی که گواه رحلت پیامبر است و شهادت مادر و پدر آغاز می شود و در انتهای کتاب باز به همین خواب پریشان می رسیم "تعبیر شد... خواب کودکی های من

پیامبر! اکنون بایک دنیا مصیبت و غربت تنها مانده ام...". و این خود از دیگر ظرافت های این داستان می باشد که نشان دهنده تبصر نویسنده در داستان پردازی می باشد. در بخشی از کتاب میخوانید: «معجز و مقنعه و عبا و دشداشه و لباس کامل در زیر آفتاب سوزانده نینوا حتی خون رگهای تورا تبخیر کرده تو اگر با همین حجاب در عرصه نینوامی نشستی عطش تمام وجودت را به آتش می کشید چه رسد به اینکه در کربلا هیچ کس به اندازه تورا نهفته است ندیده است و هروله نکرده است مگر البته خود حسین. تو اکنون با این حال و روز فریاد العطش بچه ها را بشنوی و تاب بیاوری باید تشنگی را در تار و پیود جوانان بنی هاشم ببینی و به تسلایشان برخیزی باید زبانه های عطش را در چشمهای کودکان نظاره کنی و زبان به کام بگیری و دم برنیاوری. باید تصویر کوثر را در نگاهت بخشکانی تا بچه ها با دیدن چشمهای توبه یاد آب نیافتند باید آوند های خشکیده این همه نهال را به اشک چشم آبیاری کنی تا تصویر پژمردگی در خیال دشمن بخشکد و گل های باغ رسول الله را شاداب تر از همیشه ببینند اما از همه اینها مهمتر و در عین حال سخت تر و شکننده تر کار دیگری است و آن اینکه نگذاری آتش عطش بچه ها از خیمه هاسرایت کند و توجه ابوالفضل را برانگیزد نگذاری طنین تشنگی بچه ها به گوش عباس برسد چرا که توعباس را می شناسی و از تردی و نازکی دلش با خبری. می دانی تمام صلابت و استواری و دلیری او در مقابل دشمن است. می دانی دلش در پیش دوست تاب کمترین لرزش را ندارد.»



چند قسمت از خطبه حضرت زینب در شام



ای یزید! به خدا سوگند جز پوست خود را
ندریدی و جز گوشت را نبریدی، بی تردید بر
رسول الله (ص) وارد می شوی در حالی که خون
ذریه اش را ریختی و پرده حرمت فرزندان را
دریدی و این جایی است که خدا پراکندگی
هایشان را جمع و پیریشانی هایشان را دفع و
حقوق آنان را بگیرد "آنان را که در راه خدا به
شهادت رسیدند مرده مبندار، بل زندگانی هستند که نزد
پروردگارشان مرزوق اند"



ای یزید! زودا بداند آن کس که فریبت داد و تو را
بر گرده مسلمانان سوار کرد، چه بد جانشینی
بر گزیده... گر چه بلاهای زیاد از تو بر من فرود
آمد، ولی همواره قدر تو را نا چیز دانسته و نکو
هشت را بزرگ می شمارم... جسد های پاک و پا
کیزه با یورش گرگ های درنده روبروست، و
آثارشان را گفتار هامحومی کند، و اگر ما را
غنیمت گرفتی، زودا دریایی غنیمت نه که غرامت
بوده است.



ای یزید! سوگند به خدای که هرگز نمی توانی
یاد و نام ما را محو و وحی ما را بمیرانی! آیا جز این
است که رای تو باطل و سست است، و روزگارت
محدود و اندک، و جمعیت تو پراکنده گردد؛ آن
روز که ندارد: لا لعنت الله علی الظالمین.
پس حمد مخصوص خداست که برای اول
ما سعادت و مغفرت، و برای آخر ما شهادت و
رحمت مقرر فرموده و موجبات فزونی آن را فراهم آورد، و خلافت
را بر ما نیکو گرداند.



زینب دختر علی بن ابی طالب (ع) برخاست و فرمود
حمد خدای پروردگار جهانیان را سزااست... که
فرمود: پایان کار آنان که بد کردند این است که آیات
خدا را تکذیب کرده و بدان ها استهزا کنند (روم
۱۰). ای یزید، آیا گمان برده ای حال که جای جای
زمین و آفاق آسمان را بر ما گرفتی و بستی و ما
جوانان کنیزان رانده شدیم، مایه خواری ما و موجب
کرامت توست!!... لختی آرام گیر، مگر سخن خدای را فراموش کرده ای
که فرمود: گمان مبرند آنان که کافر شدند و ما آنان را مهلت دادیم، (این
مهلت) برای آنان خیر است، ما همانا مهلت دادیم آنان را که بر گناه خود
بیفزایند و برای آنان عذاب خوار کننده
خواهد بود. (آل عمران: ۱۷۸).



آیا این عدل است ای فرزند آزاد شده ها که زنان
کنیزان تو در پس پرده باشند و دختران رسول الله
اسیر؟! پرده هایشان را دریدی، و چهره هایشان را
آشکار کردی، آنان را چنان دشمنان از شهری به
شهری کوچانیده، و مردم دور و نزدیک و پست و فرو
مایه و شریف چهره هایشان را نگریستند، در حالی
که از مردان آنان حامی و سرپرستی همراهشان
نبود.



ای یزید دست مریزاد، در حالی که با تازیانه و عصایت
بر دندان های پیشین ابی عبد الله (ع) بزنی. ای یزید
زودا که به نیاکان خود بیبوندی و در آن روز آرزو می
کردی که ای کاش شل بودی و لال نمی گفتی آنچه
را که گفتی و نمی کردی آنچه را که کردی. خداوند
حق ما را، و از آنکه به من ستم کرد انتقام ستان، و
غضب خود را بر آنکه خون های ما را ریخته و حامیان
ما را کشته، فرو فرست.



در امتداد نسل عاشورایی



مهدیه روحانی فر، دانشجوی روانشناسی از

زمان پیامبر، زنان نقش موثری در اعتلای فرهنگ اسلامی در درون خانواده و جامعه داشتند و از فعالیت های علمی آنان در زمینه های مختلف قرآنی و نقش تربیتی و در نتیجه پیشرفت تمدن اسلامی نمی توان غافل شد. زنان با سلاح تربیت و پرورش، مسیر جامعه را هدایت میکردند و در ترویج دین طلاییه دار بودند. نمونه آن مادران بزرگواری بودند که خود و فرزندان شان در روز عاشورا در حمایت از امام حسین در میدان نبرد حماسه افریدند، مادری همچون حضرت ام البنین. اما تربیت فرزندان با سیره عاشورایی، فقط در سالهای گذشته محبوس نمی شود، بلکه در هر زمانی انسان هایی با این تفکر و گرایش، راه عاشورا را ادامه خواهند داد و این مسیر تا به ابد ادامه دار است. به این ترتیب نقش مادر در تربیت بسیار حائز اهمیت است، بدین جهت که کودک بهترین سالهای شکل گیری شخصیت اش را در محیط عاطفی با مادر میگذراند و زمان فوق العاده ای برای کسب صفات و سایر ویژگی های روحی و عاطفی از مادر است. مادران معمولاً به خاطر جایگاه

و عواطف خالصانه خود پناهگاه مطمئنی برای فرزندان هستند و اغلب کودک بعد از حس ناامنی به دنبال آغوش پر از آرامش مادر هستند. آنچه قابل توجه است این موضوع میباشد، عوامل تربیتی بیشتر از اینکه یک رویکرد کمی باشد، رویکردی کیفی است بدین معنا که ارتباطی با سن ندارد و فرزندان به ویژه در سنین خردسالی، زمینه مناسب تری برای القا و یادگیری مضامین تربیتی صحیح هستند، مادران نقطه ی عطف بسیار پررنگ در ایفای سرفصل های تربیتی هستند. البته که خانواده به مثابه یک جامعه کوچک عمل میکند و هریک از اعضای خانواده، به نوعی بر افراد دیگر خانواده اثر میگذارد در این محیط اجتماعی کوچک است که شخصیت ها و ارزش های اخلاقی و باورها و... در فرد نقش می بندد، تربیت صحیح از مهمترین و ضرورتی ترین نیاز جامعه انسانی است.

ضمن اینکه از مهمترین حقوق فرزندان بر والدین به ویژه مادران است به این علت که رفع موانع و زمینه سازی مقتضیات و پرورش استعداد های مادی و معنوی در راستای نزدیک شدن به کمال خلقت، موضوع تربیت است. وراثت و محیط از جمله موارد

اثرگذار در امر خطیر تربیت هستند. معمولاً برای انس با هر چیزی، معمولاً ابتدا به کودک اطلاعات و دانش مورد نیاز را منتقل می کنیم و سپس در خواست انجام کار را داریم و بعد از آن علاقه و نگرش کودک به آن موضوع مشخص میشود اما در رابطه با مسائل دینی، ابتدا باید روی شکل گیری نگرش کودک به موضوع توجه کرد و به دنبال ایجاد رابطه عاطفی و مودت با ائمه اطهار و دستورات دینی باشیم، و سپس در مرحله بعد شرایط را برای مناسب دینی فراهم کنیم، که با رغبت و علاقه خود فعالیت انجام دهد و در مرحله آخر به دنبال انتقال اطلاعات و آگاهی باشیم. طبق پژوهش های انجام شده در وهله اول، بمباران اطلاعاتی، اثری موثر نداشته و بالعکس آن، ایجاد ارتباط عاطفی و قلبی، بیش از هر چیز دیگر اثر گذار خواهد بود. در آخر گفتنی است که در جهت اثرگذاری هر چه بیشتر زنان در خانواده بخصوص موثر بودن در اصول تربیت دینی نیاز است که مفهوم قدرت در زنان را زنده کنیم، اسلام به زنان جایگاه والایی داده است، که لازمه اش احیای عزت در آنهاست تا هر چه بهتر بتوانند در انسان سازی گام بردارند.



زن در دیدگاه‌های مختلف

دارای مقام ویژه ایی به گونه ایی که پس از خلق او خداوند به خود تبریک گفته و چنین خلقتی را ستوده است و این موجود قابل ستودنی چه ارزشهایی را دارد تا بتوان به شخصیت او پی برد زیرا که میزان ارزش گذاری نشانه ی ساختار روحی و فکری موجود در نهایت جایگاه او در نظام هستی است و مباحث مهم انسان شناسی در فرهنگ اسلام است. زن در نظام آفرینش (دیدگاه اسلام) هر موجودی در جهان سه جایگاه عام، خاص و اخص دارد که معلول سه سنت الهی است.

۱- سنت عام که بدون استثنا هر موجودی را در بر گرفته است.

۲- سنت خاص که برخی از آفریده ها را شامل میشود.

۳- سنت اخص که نوع یا صنف خاصی از موجودات را در بر گرفته است. از این رو، زن در تمام جایگاه های بیان شده، همتای مرد است (بر خلاف گفته غربی ها) چون هر دو از یک گونه هستند، پس جایگاه اخص زن این است که با تشخیص حق از باطل و پذیرش دین، فطرت پاک انسانی را در خویش شکوفا سازد، اما زن مقتضای آفرینش خود از جایگاه ممتازی نیز برخوردار است که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد، جایگاهی که محدود و اساس صلاح فردی و اجتماعی است، یعنی پرورش و آماده سازی برای ظهور فعلی جایگاه اخص، مسئولیت پذیری، اصلاح و تهذیب نفس یکی از معنای بهشت زیر پای مادران است این است که زن در جایگاه اصلی خود ایفای نقش کند

انیس عرب زاده، دانشجوی علوم اجتماعی زن نیمی از پیکره ی اجتماع انسانی است. شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه اوبی گمان در شکل گیری جامعه انسانی نقش مهمی را ایفا میکند. در تاریخ بشر وجودشان و شخصیت او، حدود اختیاری در حیات بشری و پیوند او با مرد در سنجش با مرد همواره مورد گفتگو بوده است، در بستر فرهنگی و اعتقادی که اسلام ظهور کرد، شخصیت و حقوق و جایگاه زن به گونه ای خاص تفسیر میشد، مسائل مربوط به زن در قرن ۱۴، از مهمترین دل مشغولی های متفکران بوده و این واقعیت را میتوان از سویی، در نهضت آزادی زنان و از جانب دیگر، در واقع نگریینی برخی مسلمانان نواندیش، ریشه یابی کرد. آنچه در عصر حاضر طرح مسئله ی زن را حساس تر و پر جذاب تر ساخته بر خورد دو گانه نظام سرمایه داری غرب در برابر این پدیده ی فرهنگی- اجتماعی است.

غرب از یک طرف، با طرح شعارهای فریبنده آزادی زن و دفاع از حقوق زن در میان ملت های جهان داعیه ی عدالت خواهی و ظلم ستیزی دارد، از سوی دیگر، سخت ترین و بیشترین ستمها را به پیکره اش وارد می سازد. مروری بر نگرش های مختلف، ما را به برتری موضع اسلام رهنمون میکند. بدین ترتیب، اگر معارف عالی اسلام درست ترسیم شود تبلیغات سود خواهان در جامعه ی اسلامی، کم رنگ خواهد شد. انسان کیست و چه ویژگی هایی دارد؟ در میان تمامی مخلوقات، انسان

حقوق زنان

الله لشکری، دانشجوی حقوق استفاده ابزاری از زنان و مردان در تصاویر و محتوا، تحقیر، توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی. طبق قانون جرائم رایانه ای: ارائه دهندگان خدمات دسترسی در صورتی که عمداً از پالایش این دست محتوا خوداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی احتیاطی و بی مبالائی زمینه دسترسی به آن را فراهم آورند به جزای نقدی محکوم خواهند شد.

